

سازمان اوپک و ضرورت بازنگری در سیاست‌ها

بحران در اقتصاد جهان

بحران در اقتصاد جهانی کماکان تداوم دارد. حساسیت‌های ایجاد شده در جوامع، و خصوصاً جوامع صنعتی، ناشی از تجربه‌ی حبابی شدن بازارهای مختلف، بالاخص مسکن و بورس و فشارهای مالی که از این ناحیه بر مردم وارد گردیده، موجب توجه مردم به همه‌ی دارایی‌های خود شده است و این دقت و توجه هرروز موجب افشا شدن حباب‌ها یا تقلب‌های جدیدی می‌شود که به نوبه‌ی خود بحران اقتصادی را تشدید

می‌کند. مسائلی مانند دستگیری «مداف»، رئیس بورس «نزدک»، از این جمله است.

بحران موجب کاهش اعتماد مصرف‌کنندگان در کشورهای صنعتی، و به ویژه بزرگ‌ترین اقتصاد و بزرگ‌ترین بازار جهان، یعنی ایالات متحده آمریکا، شده است. مردم بی‌اعتماد و نگران نسبت به وضعیت مالی آینده خود، طبعاً تقاضای خود را برای همه‌ی کالاها و خدمات کاهش می‌دهند و این کاهش تقاضا و مصرف، کاهش تولید و رکود اقتصادی را تشدید می‌کند و نرخ

بیکاری را افزایش می‌دهد. افزایش نرخ بیکاری نیز به نوبه‌ی خود تشدیدکننده بحران است و لذا ممکن است این چرخه نامطلوب عمق و شتابی فزاینده پیدا کند. در کشورهای صنعتی خروج از رکود منحصراً مستلزم رشد تقاضا و مصرف و به تبع آن رشد تولید است.

در هر حال بحران هنوز به حد نهایی خود نرسیده است و ابعاد آن نیز هنوز کاملاً روشن نیست. اما اغلب پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارند که روند بحران حداقل تا پایان سال جدید

و گاز هستند، بسیار جدی‌تر از کشورهای عضو اوپک است. قیمت جهانی نفت خام در واقع شاخص قیمت انرژی و شاخص تأثیرگذار برای سرمایه‌گذاری‌های انرژی است و اگر دامنه نوسانات آن کنترل نشود، تمام سرمایه‌گذاری‌های بخش انرژی دچار مشکل خواهد شد.

در آخرین روزهای سال گذشته میلادی (۱۹ دسامبر ۲۰۰۸) کنفرانس مهمی به دعوت نخست‌وزیر انگلستان در لندن برگزار شد که مقامات کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، مقامات و وزرای عضو سازمان اوپک و مقامات مجمع جهانی انرژی (IEF)، و به عبارتی طیف وسیعی از مسئولان انرژی کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده، در آن حضور داشتند. مهم‌ترین موضوع و نگرانی مطرح در این کنفرانس مسأله سرمایه‌گذاری در بخش انرژی برای پاسخگویی به نیاز و تقاضای آینده آن بود. برگزارکنندگان کنفرانس از مؤسسه مطالعات انرژی کمبریج (CERA) درخواست کرده بودند که گزارشی را در زمینه تأثیر بحران اقتصادی بین‌المللی بر بازار نفت تهیه و در کنفرانس ارائه نمایند. گزارش مهم CERA که در این کنفرانس ارائه گردید، بر سرمایه‌گذاری در زمینه انرژی تمرکز دارد و این نگرانی را مطرح می‌کند که در قیمت‌های فعلی نفت، سرمایه‌گذاری به میزان مورد نیاز انجام نخواهد شد و در صورت رفع بحران از اقتصاد جهانی و وارد شدن جهان به یک دوران ثبات یا رونق، و در هر حال در بلندمدت، کمبود در ظرفیت‌های تولید انرژی و نفت خام، جامعه بشری را دچار مشکل خواهد نمود. گزارش CERA تصریح می‌کند که دامنه نوسانات و فراز و فرود قیمت نفت باید محدود شود.

دومین همایش مربوط به امنیت انرژی کشورهای اروپایی و ناحیه دریای خزر، که در ماه نوامبر در کشور اوکراین برگزار شد، نیز عمدتاً بر همین نگرانی تمرکز داشت و معاون دبیرکل منشور جهانی انرژی در اظهارات مهم خود نسبت به بحران آینده انرژی و تغییرات شدید قیمت نفت اظهار نگرانی نمود. وی گفت: قیمت‌های پایین، اگر دائمی باشد، باعث خسارت به سرمایه‌گذاری‌های فعلی خواهد شد و ممکن است که سبب توقف سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی شده نیز بشود. این سرمایه‌گذاری‌ها برای دهه آتی کاملاً ضروری به نظر می‌آید. لغو و یا حتی تأخیر در اجرای آن‌ها برای امنیت عرضه و به‌طور کلی اقتصاد جهان بسیار خطرناک خواهد بود.

«دانیل یرجین» کارشناس برجسته و معتبر انرژی و رئیس

(۲۰۰۹) میلادی تغییر قابل توجهی به سمت بهبود نخواهد داشت. البته بعضی از صاحب‌نظران (مثلاً روزنامه بانفوذ وال استریت جورنال) هم معتقدند که بحران تازه آغاز شده است.

بحران آینده انرژی

بحران اقتصادی موجب بحران در بازارهای انرژی و از جمله بازار نفت شده است. روند نزولی قیمت جهانی نفت خام کماکان ادامه دارد. شدت بحران در بازار نفت در حدی است که حتی تصمیمات اوپک مبنی بر کاهش در تولید نفت، و خصوصاً تصمیم نوزدهم ماه دسامبر، در مورد کاهش تولید به میزانی قابل توجه از ابتدای ژانویه ۲۰۰۹، نیز نتوانست روند نزولی را کنترل کند و اگر قطع گاز روسیه به اروپا و سرمای شدید زمستان اروپا نبود ممکن بود که روند کاهش قیمت شدیدتر نیز باشد.

بحران اقتصادی در هر حال پدیده‌ای موقت است، اما مقوله امنیت عرضه انرژی مسأله‌ای است استراتژیک و بلندمدت که کشورهای صنعتی نیز از دهه ۱۹۷۰ آن را به صورت منظم و دائمی پی گرفته‌اند. تجربه چند سال گذشته (تا پیش از بروز بحران اقتصادی اخیر) نشان داد که بحران آینده انرژی، مسأله‌ای خطیر و جدی است. بالا رفتن مستمر قیمت‌های جهانی نفت خام در این سال‌ها عمدتاً ناشی از عوامل اساسی (عرضه و تقاضا) و کمبود ظرفیت‌های عرضه بود. همه پیش‌بینی‌ها نشان می‌داد و نشان می‌دهد که در بلندمدت حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری در بخش انرژی و زیربخش نفت باید انجام پذیرد. آژانس بین‌المللی در جدیدترین گزارش چشم‌انداز جهانی انرژی خود که در اواخر سال گذشته میلادی منتشر شد، این رقم را برای حدود بیست سال آینده یعنی دوره سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۳۰، حدود ۲۶ تریلیون دلار برآورد می‌کند که حداقل ۴۰ درصد آن مربوط به بخش نفت و گاز جهان است. بدون شک در سطح قیمت‌های فعلی انرژی، و خصوصاً با وجود بحران در بازارهای مالی و فقدان اعتبارات، چنین سرمایه‌گذاری‌هایی، چه در بخش انرژی جهان و چه در زیربخش نفت و گاز، انجام نخواهد شد و حتی بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌هایی که در زمان آغاز بحران هنوز به مراحل اجرایی وارد نشده‌اند در حال متوقف شدن هستند.

در اغلب کنفرانس‌های انرژی که اخیراً در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود، نگرانی از آینده انرژی در صورت تداوم قیمت‌های فعلی نفت موج می‌زند. این نگرانی برای کشورهای مصرف‌کننده انرژی که فاقد منابع اولیه و واردکننده خالص نفت

دست بدهد و آن را به تولیدکنندگان غیر اوپیک تقدیم نماید. اگر مسأله بحران آینده انرژی پدیده‌ای جهانی و مستلزم همکاری جهانی است که هست، هم مصرف‌کنندگان اصلی که علاوه بر ایجاد ارزش افزوده بسیار قابل ملاحظه، تنها از مالیاتی که بر نفت و فرآورده‌های نفتی بسته‌اند عایداتی به مراتب بیشتر از تولیدکنندگان نفت دارند و هم سایر تولیدکنندگان نفت نیز باید در زمینه کاهش تولید و کنترل قیمت‌ها همکاری نمایند.

جالب است که سازمان اوپیک حتی در شرایط بالا رفتن قیمت‌های نفت طی چند سال گذشته، با جلسات مکرر خود و اطمینان خاطر دادن دائمی به بازار، مبنی بر این که به اندازه کافی ظرفیت تولید دارد و در موقع لازم تولید خود را افزایش خواهد داد، دلسوزانه، وضعیت روانی بازار را به نفع کشورهای مصرف‌کننده کنترل می‌کرد. در آن شرایط اگر بازار و مصرف‌کنندگان متوجه می‌شدند که چه تنگناهایی در تولید نفت وجود دارد و می‌فهمیدند که ظرفیت مازاد تولید اوپیک به صفر نزدیک شده است، قیمت‌های نفت بسیار فراتر از رکورد ۱۴۷ دلاری آن در ماه ژوئیه گذشته می‌رفت. اما در همان شرایط نیز اوپیک به جای تشویق شدن دائماً متهم می‌شد. (رجوع کنید به خبر و نظر اقتصاد انرژی شماره ۱۰۰، «سازمان اوپیک دایه دلسوزتر از مادر؟»)

بازار و قیمت‌های جهانی نفت در هر حال به یک تنظیم‌کننده (رگولاتور) نیاز دارد. افزایش بیش از حد قیمت‌های جهانی نفت می‌تواند به نوعی اقتصاد جهانی را دچار مشکل کند و کاهش بیش از حد قیمت نفت نیز می‌تواند سیاست‌های امنیت انرژی کشورهای صنعتی را با مشکل روبرو کند و بحران‌های آتی انرژی را در پی داشته باشد. اوپیک همواره همه تلاش خود را در جهت این تنظیم‌گری و کنترل نوسانات قیمت نفت و محدود کردن دامنه این نوسانات نموده است و در غیر این صورت، با توجه به کثرت عوامل تأثیرگذار بر نفت که در گزارش CERA نیز به آن اشاره شده است، مشکلات نفت و انرژی بسیار بیشتر از وضعیت کنونی می‌بود.

در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت و گاز نیز در حال حاضر تنها پروژه‌های بالادستی در سطح کشورهای اوپیک دارای توجیه اقتصادی هستند. گزارش CERA نشان می‌دهد که در قیمت نفت خام کمتر از حدود ۵۰ دلار (برای نفت خام شاخص WTI سرمایه‌گذاری‌های جدید نفتی تنها در کشورهای خاورمیانه‌ای عضو اوپیک، و در بعضی میادین نفتی کشور چین،

CERA در نوشته کوتاه خود تحت عنوان: «قیمت‌های پائین نفت چه معنایی برای جهان دارد» که در شماره ۱۱ نوامبر ۲۰۰۸ فاینانشال تایمز چاپ شده است، ابراز نگرانی می‌کند که سیاست‌های انرژی هیئت حاکمه جدید ایالات متحده که عمدتاً مبتنی بر حداکثر بهینه‌سازی و صرفه‌جویی انرژی و توسعه انرژی‌های نو و قطع وابستگی به نفت وارداتی است با قیمت‌های فعلی نفت پیش نخواهد رفت.

مؤسسه سلطنتی بررسی تحولات بین‌المللی انگلستان مشهور به Chatham House نیز برای روزهای نهم و دهم فوریه ۲۰۰۹ کنفرانسی را با موضوع «سیاست‌های سرمایه‌گذاری و عرضه انرژی» تدارک دیده است که موضوع قیمت‌های فعلی نفت و انرژی و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری‌ها محور اصلی آن است.

نقش اوپیک

اما در این میان، به نظر می‌رسد که سیاست و روش اوپیک باید از جهاتی مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

سابقه اوپیک در دوره‌های زمانی مشابه نشان می‌دهد که علی‌القاعده این سازمان تا زمان تداوم بحران، تلاش خواهد نمود که از طریق کنترل تولید و سهمیه‌بندی بین اعضا، از سقوط بیشتر قیمت‌ها جلوگیری کند. اما سؤال این است که آیا در هر زمان و شرایطی می‌توان و می‌بایست یک سیاست مشابه و واحد را باید تعقیب نمود؟

بنابر آن چه ذکر شد، سیستم کنترل تولید اوپیک که از سقوط بیشتر قیمت‌های نفت و در واقع توقف بیشتر در سرمایه‌گذاری‌های انرژی جلوگیری می‌کند، به نفع همه جامعه بشری است. حرف این نیست که اوپیک چنین همراهی را با جامعه بشری نکند؛ اما این هم درست نیست که اوپیک در این مسئولیت تنها گذاشته شود و حتی مورد فشار روانی و تبلیغات منفی مبنی بر اتهام کارتلی عمل کردن و امثال آن نیز قرار گیرد. مدیران کشورهای صنعتی از دهه ۱۹۷۰ عادت کرده‌اند که بسیاری از مشکلات اقتصادی خود را به عملکرد اوپیک نسبت دهند و متأسفانه چنین برخوردی هنوز هم ادامه دارد. گرچه آن دسته از مدیران و کارشناسان غربی که از مشکلات انرژی مطلع هستند ممکن است در ذهن و تحلیل خود از اقدامات اوپیک برداشتی مثبت داشته باشند، اما هم‌ایشان و هم دیگر مقامات غربی، غالباً به متهم کردن اوپیک و اعضای آن ادامه می‌دهند. همچنین این مسأله نیز صحیح نیست که اوپیک با کاهش تولید، سهم بازار خود را از

انرژی، می‌گوید: باید یک گزینه برنده-برنده انتخاب شود و نه یک گزینه برنده-بازنده که اعضای اوپک بازنده آن باشند. اعضای اوپک نشان داده‌اند که در سیاست‌گذاری‌های نفتی خود تنها به فکر منافع خود نبوده‌اند. اما اگر انتظار این است که در این شرایط، اوپک ظرفیت‌های تولید خود را برای تأمین تقاضای آینده جهان توسعه دهد، باید تسهیلات و همکاری بین‌المللی در این زمینه فراهم شود. در زمینه رگولاتوری و تنظیم بازار نفت و محدوده نوسان قیمت‌ها نیز اوپک نباید تنها گذاشته شود. مجموعه تولیدکنندگان نفت، اعم از کشورهای اوپک و غیر اوپک با همکاری اعضای آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) به عنوان کشورهای عمده مصرف‌کننده، می‌توانند در این زمینه مذاکراتی را آغاز نموده و در این زمینه مشارکت نمایند.

نقش ایران

با توجه به نقش مهم جمهوری اسلامی ایران در سازمان اوپک، به عنوان یکی از بنیان‌گذاران و نیز دومین تولیدکننده نفت این سازمان، بدیهی است که مدیران و کارشناسان ذیربط، سیاست‌های اصولی مناسب زمان و شرایط فعلی را بررسی و اتخاذ نموده و از طریق سازمان اوپک پیگیری خواهند کرد.

آنچه گفته شد بر این مهم دلالت دارد که اوپک بیش از پیش نیازمند بازنگری در سیاست‌های خود و نیازمند تدوین یک استراتژی بلندمدت است و شاید هم اکنون بهترین فرصت باشد که اوپک در زمین بازی انرژی جهان، یک تعامل منطقی و عادلانه میان تولیدکننده (اعم از اوپک و غیر اوپک) و مصرف‌کننده را مطالبه نماید. جمهوری اسلامی می‌تواند با فعال کردن دیپلماسی نفتی خود، از طریق ترغیب جمعی از اعضای اوپک، یک جناح واقع بین را برای پیگیری منافع حقیقی اعضای سامان دهد. اگر توفیقی حاصل نشد و اوپک چنین نکرد، شاید لازم شود که جمهوری اسلامی ایران ادامه عضویت خود در این سازمان را مورد بازبینی قرار دهد.

مدیر مسئول

اقتصادی خواهد بود؛ و لذا کشورهای صنعتی اینک که سرمایه‌گذاری در سایر نقاط اقتصادی نیست، از اوپکی‌ها انتظار سرمایه‌گذاری‌های کافی در بخش بالادستی صنعت نفتشان و همکاری با شرکت‌های نفتی بین‌المللی در این زمینه را نیز دارند. علاوه بر این کشورهای صنعتی حتماً به این مسأله توجه دارند که بخش انرژی و نفت خود یک بخش اقتصادی است که توقف پروژه‌ها و فعالیت‌های آن نیز به نوبه خود، رکود اقتصادی را تشدید می‌کند و بسیاری از سازندگان تجهیزات و ارائه‌کنندگان خدمات به پروژه‌های نفت و انرژی بیکار می‌شوند و این در حالی است که دولت‌های صنعتی طی ماه‌های اخیر میلیاردها دلار را صرف کمک یا سوسپید به صنایع بزرگ جهت جلوگیری از ورشکستگی و سقوط آن‌ها نموده‌اند. قیمت‌های

بیش از حد پائین نفت همچنین قدرت خرید و در نتیجه تقاضای کشورهای صادرکننده نفت برای کالاها و خدمات کشورهای صنعتی را نیز کاهش می‌دهد که این نیز تشدیدکننده بحران و رکود اقتصادی در جهان است.

در هر حال چگونه می‌توان از کشورهای عضو اوپک انتظار داشت که در شرایط کاهش درآمدهای

نفتی خود و در شرایط کاهش تقاضای جهانی برای نفت خام و فرآورده‌های نفتی و اضافه شدن ظرفیت‌های مازاد تولید، منابع محدود خود را صرف سرمایه‌گذاری‌های عظیم و کافی در ظرفیت‌سازی نمایند تا پس از رفع بحران اقتصادی و بالارفتن تقاضای انرژی، امنیت عرضه انرژی کشورهای صنعتی به خطر نیفتد؟ اتفاقاً عملکرد کارтели این است که اوپک در این شرایط منابع خود را صرف سرمایه‌گذاری جهت توسعه ظرفیت‌های تولید نفت خود ننماید و پس از رفع بحران و بازگشت رونق به اقتصاد جهان نفت خود را به گران‌ترین قیمت‌ها بفروشد.

در جهانی که در زمینه انرژی یک وابستگی متقابل وجود دارد، اگر قرار است که از بحران‌های احتمالی آینده انرژی جلوگیری شود، همان‌طور که ولادیمیر پاخلانین، معاون دبیرکل منشور

